گزارش ۲

بازتعریف رابطه دولت و شهروندان در عصر حکمرانی مالیاتی



کامران زارعی
کارشناس اقتصادی

در ادبیات اقتصاد سیاسی، مالیات صرفاً ابزاری برای تأمین هزینه‌های عمومی و جبران کسری بودجه دولت نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین سازوکارهای شکل‌گیری رابطه متقابل میان دولت و جامعه و از ارکان بنیادین پاسخ‌گویی در نظام‌های حکمرانی مدرن به شمار می‌رود. اهمیت مالیات در این چارچوب، نه فقط به میزان درآمدی که به خزانه عمومی وارد می‌کند، بلکه به تعهداتی بازمی‌گردد که در برابر آن برای دولت ایجاد می‌شود.

به بیان دیگر، هرچه سهم شهروندان در تأمین مالی هزینه‌های عمومی افزایش یابد، ضرورت پاسخ‌گویی دولت درباره چگونگی تحصیل، تخصیص و مصرف این منابع نیز پررنگ‌تر می‌شود. از این منظر، مالیات می‌تواند رابطه دولت و شهروندان را از یک رابطه یک‌سویه مبتنی بر اقتدار و الزام قانونی به رابطه‌ای متقابل مبتنی بر حقوق، مسئولیت‌ها و نظارت عمومی تبدیل کند.

یکی از مفاهیم کلیدی در اقتصاد سیاسی مالیات، Fiscal Contract یا «قرارداد مالی» است. این مفهوم بر این فرض استوار است که رابطه دولت و شهروندان صرفاً با وضع قوانین و اعمال اقتدار شکل نمی‌گیرد، بلکه تأمین منابع مالی حکومت نیز در تعیین ماهیت این رابطه نقش بنیادین دارد. هنگامی که دولت برای اداره امور عمومی به درآمدهای مالیاتی شهروندان وابسته است، ناگزیر باید نسبت به نحوه مصرف این منابع توضیح دهد و در برابر انتظارات جامعه پاسخ‌گو باشد. در چنین شرایطی، مالیات‌ستانی به بستری برای شکل‌گیری نوعی چانه‌زنی مستمر میان دولت و جامعه تبدیل می‌شود؛ شهروندان منابع مالی را در اختیار دولت قرار می‌دهند و در مقابل، انتظار برخورداری از خدمات عمومی، امنیت اقتصادی، زیرساخت‌های مناسب و مدیریت کارآمد منابع را دارند. براساس یافته‌های پژوهشگران، ارتباط معناداری میان نوع مالیات‌ستانی و الگوی ارائه خدمات عمومی وجود دارد. به‌طور مشخص، دولت‌هایی که سهم بیشتری از تولید ناخالص داخلی را از طریق مالیات بر ثروتمندان تأمین می‌کنند، حمایت بیشتری از حقوق مالکیت نشان می‌دهند و مالیات‌ستانی از اقشار کم‌درآمد نیز با ارائه خدمات عمومی پایه ارتباط دارد. اهمیت این پژوهش‌ها در آن است که نشان می‌دهد ساختار درآمدی دولت، مستقل از نحوه توزیع خدمات و منافع عمومی نیست و نظام مالیاتی می‌تواند بر ماهیت رابطه میان گروه‌های اجتماعی و حکومت اثرگذار باشد. در مقابل، در ساختارهایی که بخش قابل توجهی از منابع عمومی از محل درآمدهای طبیعی، کمک‌های خارجی یا سایر درآمدهای غیرمالیاتی تأمین می‌شود، ممکن است وابستگی مالی دولت به شهروندان کاهش یابد و در نتیجه، انگیزه نهادی برای گفت‌وگو و پاسخ‌گویی نیز تضعیف شود. البته این رابطه یک قاعده قطعی و اجتناب‌ناپذیر نیست، اما از منظر اقتصاد سیاسی وابستگی متقابل مالی دولت و جامعه می‌تواند یکی از عوامل تقویت‌کننده نظارت عمومی بر قدرت باشد. محققان شواهد متعددی از ارتباط مستقیم و قابل توجه مالیات‌ستانی و پاسخ‌گویی حکومت‌ها یافته‌اند به صورتی که افزایش درآمدهای مالیاتی به‌خودی‌خود تضمین‌کننده بهبود حکمرانی نیست، بلکه تحقق این رابطه مستلزم ایجاد بسترهای گفت‌وگوی دولت و مؤدیان، حمایت از جامعه مدنی، تقویت حقوق مالیات‌دهندگان، اطلاع‌رسانی شفاف و رعایت عدالت در توزیع بار مالیاتی است. بنابراین مالیات زمانی به ابزار پاسخ‌گویی تبدیل می‌شود که شهروندان امکان تبدیل مطالبه مالی خود به مطالبه سیاسی و نهادی را داشته باشند. یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های تبدیل مالیات به ابزار پاسخ‌گویی، شفافیت در سمت مصارف بودجه عمومی است. در یک نظام مالیاتی کارآمد، شفافیت نباید صرفاً به شناسایی درآمدها، دارایی‌ها و معاملات مؤدیان محدود شود. همان گونه که دولت برای تشخیص درآمد مشمول مالیات به اطلاعات اقتصادی شهروندان دسترسی پیدا می‌کند، شهروندان نیز باید بتوانند اطلاعات مربوط به نحوه تخصیص و هزینه‌کرد منابع عمومی را مشاهده و ارزیابی کنند. در غیر این صورت، شفافیت به رابطه‌ای یک‌طرفه تبدیل می‌شود که در آن دولت از مؤدیان اطلاعات مطالبه می‌کند، اما خود در قبال مصرف منابع دریافتی توضیح کافی ارائه نمی‌دهد. اهمیت این موضوع زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم اعتماد عمومی یکی از عوامل مؤثر بر تمکین مالیاتی است.

گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) با عنوان «اخلاق مالیاتی؛ چه عواملی افراد و کسب‌وکارها را به پرداخت مالیات ترغیب می‌کند؟» در سال ۲۰۱۹، رابطه میان اعتماد به دولت، کیفیت خدمات عمومی و انگیزه درونی پرداخت مالیات را بررسی می‌کند. این گزارش نشان می‌دهد که اعتماد عمومی و عملکرد دولت از عوامل مهم شکل‌دهنده اخلاق مالیاتی هستند و در کشورهایی که نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی بالاتری دارند، عموماً سطح بالاتری از اخلاق مالیاتی نیز مشاهده می‌شود، هرچند این همبستگی به‌تنهایی رابطه علت و معلولی را اثبات نمی‌کند. ابعاد اهمیت اعتماد عمومی را می‌توان در داده‌های پیمایش سال ۲۰۲۳ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نیز مشاهده کرد. براساس این گزارش به‌طور متوسط در ۳۰ کشور عضو مورد بررسی، تنها ۳۹ درصد پاسخ‌گویان اعتماد بالا یا نسبتاً بالا به دولت ملی خود داشته‌اند، درحالی که ۴۴ درصد از اعتماد پایین یا فقدان اعتماد سخن گفته‌اند. این ارقام نشان می‌دهد که اعتماد به دولت، حتی در اقتصادهای پیشرفته نیز سرمایه‌ای تضمین‌شده نیست و حفظ آن به کیفیت عملکرد نهادهای عمومی وابسته است. از این منظر، شفافیت در مصرف درآمدهای مالیاتی و ارائه گزارش‌های قابل ارزیابی از نتایج هزینه‌کرد عمومی می‌تواند یکی از ابزارهای تقویت اعتماد میان دولت و جامعه باشد. اهمیت راهبردی مقوله مالیات در حکمرانی مدرن را باید در توانایی آن برای ایجاد یک چرخه متقابل میان تأمین مالی عمومی، پاسخ‌گویی و اعتماد اجتماعی جست‌وجو کرد. در این چرخه، شهروندان با پرداخت مالیات در تأمین هزینه‌های اداره جامعه مشارکت می‌کنند؛ دولت نیز با ارائه خدمات عمومی، انتشار اطلاعات مالی و پاسخ‌گویی درباره نتایج سیاست‌ها و برنامه‌ها مشروعیت عملکرد خود را تقویت می‌کند. در صورت تحقق این رابطه، تمکین مالیاتی دیگر صرفاً محصول ترس از جریمه و ضمانت اجرا نخواهد بود، بلکه می‌تواند به رفتاری مبتنی بر اعتماد، انصاف و مسئولیت‌پذیری شهروندی تبدیل شود. اهمیت این موضوع در ساختار مالی دولت‌ها نیز قابل مشاهده است. براساس به‌روزرسانی سال ۲۰۲۶ پایگاه داده درآمدهای عمومی صندوق بین‌المللی پول، درآمدهای مالیاتی جهان در سال ۲۰۲۴ معادل ۱۷,۵ درصد تولید ناخالص داخلی بوده و طی دو دهه اخیر حدود ۵۵ تا ۶۰ درصد کل درآمدهای دولت‌ها را تشکیل داده است. این ارقام نشان می‌دهد مالیات به یکی از پایه‌های اصلی تأمین مالی دولت‌ها در دنیای امروز تبدیل شده است. در چنین شرایطی، کیفیت رابطه میان دولت و مالیات‌دهندگان دیگر موضوعی حاشیه‌ای در سیاست‌های مالی نیست، بلکه مستقیماً با پایداری منابع عمومی و ظرفیت حکمرانی ارتباط پیدا می‌کند.

در همین چارچوب، سیاست طرح نشان‌دار کردن مالیات را می‌توان یکی از مصادیق تلاش برای تقویت رابطه متقابل میان دولت و مؤدیان و افزایش مشارکت شهروندان در تعیین محل هزینه‌کرد مالیات‌های پرداختی دانست. سازمان امور مالیاتی کشور در قالب این طرح، این امکان را برای مؤدیان فراهم کرده است که محل هزینه‌کرد مالیات پرداختی خود را از میان پروژه‌های عمرانی و زیرساختی انتخاب کنند. اهمیت این رویکرد صرفاً در ایجاد امکان مشارکت مستقیم مؤدیان در انتخاب پروژه‌ها خلاصه نمی‌شود، بلکه از منظر اقتصاد سیاسی مالیات می‌تواند گامی در جهت ملموس‌تر کردن ارتباط میان پرداخت مالیات و برخورداری از منافع عمومی باشد. به عبارت دیگر، هنگامی که مؤدیان بتوانند مشاهده کنند منابع حاصل از مالیات آنها در چه پروژه‌هایی و با چه اهدافی هزینه می‌شود، مالیات از یک تعهد مالی صرف به نوعی مشارکت آگاهانه در تأمین و توسعه زیرساخت‌های عمومی تبدیل خواهد شد.

گزارش یک

وحید عظیم‌نیا

پس از بارها هشدار و انذار درباره زیان‌ده بودن برخی شرکت‌های دولتی، نوبت اقدام دولت است

پاداش «زیان‌رسانی» نمی‌دهیم!

رئیس جمهور: وقتی شرکتی کار خود را درست انجام نداده و زیان‌ده بوده است، دلیلی ندارد که به مدیر آن شرکت پاداش هم داده شود

رئیس سازمان بازرسی: در سال ۱۴۰۴ مبلغ ۱۰۴ میلیارد تومان پاداش به اعضای هیئت‌مدیره و مدیران عامل شرکت‌های زیان‌ده دولتی و وابسته به دولت پرداخت شده است

۱۴۷ شرکت از مجموع ۴۰۱ شرکت دولتی در سال ۱۴۰۳ طبق آنچه از معاون امور بانکی، بیمه و شرکت‌های دولتی وزارت امور اقتصادی و دارایی نقل شده است، زیان‌ده بوده‌اند. همچنین آمارهای دیوان محاسبات از ابعاد گسترده‌تری از زیان در شرکت‌های شبه‌دولتی پرده برمی‌دارد. در همین حال گزارش سازمان بازرسی از پرداخت پاداش به مدیران بنگاه‌های زیان‌ده و ضعف نظارت بر ساختارهای وابسته به دولت حکایت دارد، مجموعه این ارقام مسئله‌ای فراتر از عملکرد چند مدیر یا چند شرکت را پیش‌روی دولت قرار داده است، زیرا استمرار زیان و جبران آن از منابع عمومی در نهایت به هزینه‌ای برای اقتصاد و مردم تبدیل می‌شود، اکنون رئیس جمهور از ضرورت توقف این حمایت‌ها و پاسخ‌گویی مدیران سخن می‌گوید، اما مطالبه اصلی از دولت عبور از مرحله تشخیص و اعلام موضع و رسیدن به نتایج قابل سنجش است.



جلسه بررسی مهم‌ترین مسائل و مشکلات شرکت‌های دولتی روز شنبه با حضور مسعود پزشکیان، سید علی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی و معاون امور بانکی و بیمه شرکت‌های دولتی این وزارتخانه برگزار و گزارش جامعی از وضعیت عملکرد شرکت‌های دولتی و سودده و زیان‌ده بودن این شرکت‌ها ارائه شد. رئیس جمهور در این جلسه با تأکید بر ضرورت پاسخ‌گو بودن مدیران شرکت‌ها در قبال اختیارات و مسئولیت‌هایشان تصریح کرد: حمایت دولت از شرکت‌های زیان‌ده و اختصاص منابع به این شرکت‌ها هیچ توجیهی ندارد و وقتی شرکتی کار خود را درست انجام نداده و زیان‌ده بوده است، دلیلی ندارد که به مدیر آن شرکت پاداش هم داده شود. پزشکیان با بیان اینکه مدیران شرکت‌ها باید پاسخ‌گوی عملکرد خود در حوزه مسئولیتشان باشند، نحوه اداره و مدیریت شرکت‌ها را بسیار مهم خواند و افزود: در انتخاب و جابه‌جایی مدیران باید توانمندی‌ها و تخصص افراد به‌صورت دقیق مورد بررسی قرار گیرد و ارزیابی مستمر عملکرد مدیران از ضروریات است. رئیس جمهور میزان مسئولیت، عملکرد و بهره‌وری و همچنین پاسخ‌گویی را از شاخصه‌های مهم مدنظر در واگذاری مدیریت‌ها به افراد عنوان کرد و افزود: شاخص‌های ارزیابی نیروی انسانی از جمله تجربه و توانمندی برای مدیریت‌ها و تخصص‌های مختلف باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

■ چرا شرکت‌ها زیان‌ده هستند؟

اظهارات رئیس جمهور این نکته را برجسته می‌کند که چرا بنگاه‌هایی که با سرمایه و امکانات عمومی اداره می‌شوند، سال‌ها زیان تولید می‌کنند و همچنان برای ادامه فعالیت به منابع دولت متکی می‌مانند؟ قاعدتاً این موضوع از نظر سیاست‌گذاری اقتصادی قابل توجه است، اما مسئله اصلی پس از اعلام چنین موضعی از سوی رئیس قوه مجریه آغاز می‌شود، چراکه وظیفه قوه مجریه، صرفاً ناظر بر عملکرد شرکت‌های دولتی نیست و بخش مهمی از اختیارات مربوط به انتخاب مدیران، تعیین سیاست‌های مالکیتی، تخصیص منابع و اصلاح ساختار این بنگاه‌ها در مجموعه دولت قرار دارد. بنابراین انتظار از این دولت، صرفاً بازتاب یک انتقاد مدیریتی نیست، بلکه باید تصمیم‌هایی گرفته شود که آثار آن در صورت‌های مالی شرکت‌ها و بودجه عمومی قابل مشاهده باشد.

البته زیان شرکت دولتی معمولاً به معنای توقف فعالیت یا خروج آن از بازار نیست و بسیاری از این بنگاه‌ها با اتکا به منابع بانکی، حمایت‌های بودجه‌ای، سرمایه‌گذاری مجدد دولت یا امتیازات خاص به فعالیت ادامه می‌دهند و این سازوکار اگر با برنامه اصلاحی همراه نباشد، زیان یک شرکت را از یک مسئله داخلی به تعهدی برای بخش عمومی تبدیل می‌کند و طبعاً در چنین وضعیتی، هزینه تصمیم‌های اشتباه مدیریتی یا سیاست‌های ناکارآمد، مستقیماً در حساب مدیران منعکس نمی‌شود و بار مالی آن به منابع عمومی انتقال پیدا می‌کند. بنابراین تأکید رئیس جمهور بر پاسخ‌گویی مدیران مهم است، اما با این حال، ارزیابی عملکرد وقتی معنی خواهد داشت که شاخص‌های آن از پیش تعیین شده و نتایج آن در تصمیم‌های مدیریتی اثرگذار باشد، چراکه نمی‌توان از مدیر یک شرکت انتظار سودآوری داشت، اما همزمان تکالیف زیان‌بار و خارج از منطق اقتصادی بر آن تحمیل کرد. همچنین نمی‌توان ناکارآمدی مدیریتی را پشت عنوان مأموریت عمومی پنهان کرد و زیان‌های مستمر را بدون بررسی منشأ آنها از محل منابع دولت جبران کرد.

■ مسئله‌ای فراتر از چند شرکت

مطابق اطلاعات مربوط به عملکرد سال ۱۴۰۳، از مجموع ۴۰۱ شرکت دولتی، ۲۵۴ شرکت سودده و ۱۴۷ شرکت زیان‌ده بوده‌اند، یعنی بیش از یک‌سوم شرکت‌های دولتی در این سال با زیان فعالیت کرده‌اند. نکته مهم‌تر اینکه این نسبت به‌تنهایی میزان ناکارآمدی همه شرکت‌ها را مشخص نمی‌کند، اما ضرورت بررسی دقیق دلایل زیان‌دهی را آشکار می‌سازد. همچنین گزارش دیوان محاسبات درباره شرکت‌های نیمه‌دولتی و شبه‌دولتی، ابعاد دیگری از موضوع را نمایان کرده است. مطابق اظهارات احمدرضا دستغیب، رئیس دیوان محاسبات در سومین جلسه هیئت عمومی دیوان محاسبات کشور که ۱۳ آذر سال گذشته برگزار شد، در قانون بودجه سال ۱۴۰۳، زیان ۱۶ شرکت به مجموع ۲۴ همت پیش‌بینی شده بود، اما عملکرد واقعی از زیان ۱۳۹ شرکت به مبلغ ۴۶۸ همت حکایت داشت، معنای دیگر این اظهارات آن است که تعداد شرکت‌های زیان‌ده بیش از هشت برابر و میزان زیان نزدیک به ۱۹,۵ برابر پیش‌بینی بودجه‌ای ثبت شده است. بنابراین وقتی دولت و دستگاه‌های نظارتی گزارش دقیقی از تعداد شرکت‌های زیان‌ده و میزان زیان آنها نداشته باشند، تصمیم‌گیری درباره تخصیص منابع، اصلاح ساختار و واگذاری نیز بر پایه اطلاعات ناقص انجام خواهد شد. به همین دلیل، پیش از هرگونه حمایت مالی یا تصمیم برای ادامه فعالیت یک شرکت، باید وضعیت واقعی دارایی‌ها، بدهی‌ها، هزینه‌ها و عملکرد عملیاتی آن مشخص باشد.

بررسی‌های دیوان محاسبات درباره سال ۱۴۰۲ نیز همین مسئله را تأیید می‌کند. طبق گزارش ۲۶ آبان ۱۴۰۳ دیوان محاسبات، قانون بودجه زیان ۱۷ شرکت را معادل ۲۱ هزار و ۲۷۴ میلیارد تومان پیش‌بینی کرده بود، اما مطابق صورت‌های مالی، ۱۳۴ شرکت در مجموع ۳۵۴ هزار و ۳۵۳ میلیارد تومان زیان ثبت کردند، یعنی حدود ۸۰ درصد این زیان نیز به شش شرکت اختصاص داشت. شرکت بازرگانی دولتی ایران با ۱۳۷ هزار و ۷۷۹ میلیارد تومان، سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها با ۵۱ هزار و ۸۵۳ میلیارد تومان، سازمان بیمه سلامت ایران با ۴۰ هزار و ۶۶۷ میلیارد تومان و شرکت مادر تخصصی برق حرارتی با ۲۵ هزار و ۱۶۱ میلیارد تومان از جمله مجموعه‌های دارای بیشترین سهم از زیان گزارش‌شده بودند. تمرکز بخش بزرگی از زیان در تعداد محدودی از مجموعه‌ها، یک نکته مهم برای سیاست‌گذار دارد و آن اینکه دولت برای اصلاح وضعیت شرکت‌ها نباید همه بنگاه‌ها را با یک نسخه اداره کند، یعنی زیان یک شرکت خدمات عمومی که وظیفه اجرای سیاست‌های حمایتی را برعهده دارد، با زیان یک بنگاه تجاری که به دلیل ضعف مدیریت و هزینه‌های غیرضروری از رقابت عقب مانده، ماهیت یکسانی ندارد و تفکیک این دو وضعیت، امکان تعیین تکلیف دقیق‌تر را فراهم می‌کند. البته این تفکیک نباید به ابزاری برای ادامه حمایت‌های نامحدود تبدیل شود و اگر دولت شرکتی را به ارائه خدمت با قیمت تکلیفی ملزم می‌کند، باید هزینه این سیاست را شفاف در بودجه بپذیرد و آن را از عملکرد اقتصادی شرکت جدا کند. در مقابل، مدیرانی که در محدوده اختیارات خود با ضعف کنترل هزینه، انتصابات نامناسب یا تصمیم‌های غیرکارشناسی موجب زیان شده‌اند، باید پاسخ‌گوی نتایج عملکردشان باشند.

■ در انتظار تحقق وعده رئیس جمهور

گزارش سازمان بازرسی کل کشور، موضوع را از سطح ارقام کلان به نحوه اداره شرکت‌ها و پرداخت‌های مدیریتی می‌کشاند، به طوری که طبق اظهارات ۱۹ آبان اصغر جهانگیر، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، از میان ۶۸۰ شرکت دولتی و وابسته به دولت ثبت‌شده در داخل کشور، ۲۷۷ شرکت زیان‌ده شناسایی شده‌اند که مجموع زیان خالص آنها تا پایان سال ۱۴۰۴ به هزار و ۹۹ همت رسیده است. همچنین ۳۷۲ شرکت دارای زیان انباشته معادل ۲ هزار و ۵۸۴ همت بوده‌اند.

بدیهی است باید تفاوت زیان خالص و زیان انباشته مورد توجه قرار گیرد، چه آنکه زیان خالص عملکرد یک دوره مالی را نشان می‌دهد، اما زیان انباشته نتیجه تداوم عملکرد منفی در دوره‌های گذشته است. بنابراین رقم ۲ هزار و ۵۸۴ همتی زیان انباشته، صرفاً یک نتیجه مالی مقطعی نیست و از مشکلاتی حکایت می‌کند که در طول زمان در ترازنامه شرکت‌ها انباشته شده‌اند.

■ ۱۰۴ میلیارد تومان هبه پاداش!

سازمان بازرسی همچنین اعلام کرده است که در سال ۱۴۰۴ مبلغ ۱۰۴ میلیارد تومان پاداش به اعضای هیئت‌مدیره و مدیران عامل شرکت‌های زیان‌ده دولتی و وابسته به دولت پرداخت شده است و تاکنون ۳۹۰ نفر دعوت شده‌اند و از آنان در سازمان بازرسی کل کشور اخذ توضیح و دفاع صورت گرفته و برای تعدادی از این افراد نیز پرونده تشکیل شده است. البته بررسی قانونی یا غیرقانونی بودن این پرداخت‌ها همچنان ادامه دارد و صرف دریافت پاداش به معنای اثبات تخلف نیست. با این حال، وجود چنین پرداخت‌هایی در مجموعه شرکت‌های زیان‌ده، ضرورت اصلاح ساختار نظام جبران خدمات مدیران را مطرح می‌کند و اگر پاداش‌ها بدون ارتباط منطقی با شاخص‌های عملکرد پرداخت شوند، نظام انگیزشی شرکت‌ها از هدف اصلی خود فاصله می‌گیرد.

■ بدرقه ۲۹۸ بازنشسته!

نکته دیگر در گزارش سازمان بازرسی ۱۹ آبان که ایرنا منتشر کرده است، شناسایی هزار و ۵۳۵ نفر مشمول قانون ممنوعیت به کارگیری بازنشستگان یا منع تصدی بیش از یک شغل است. از میان افرادی که وضعیت آنها بررسی شده، ۲۹۸ نفر پس از دعوت و اخذ توضیح از سمت‌های خود استعفا داده‌اند و برای ۳۵۹ نفر پرونده تشکیل شده است. سازمان بازرسی همچنین از عوامل مختلف زیان‌دهی، از جمله تکالیف تحمیلی دولت، پرداخت‌های نامتناسب، تورم نیروی انسانی، ضعف کنترل هزینه‌ها، فرسودگی تجهیزات و بی‌ثباتی مدیریتی نام برده است. این فهرست نشان می‌دهد که بخشی از مسئله در سیاست‌های خود دولت ریشه دارد. بنابراین اصلاح شرکت‌ها نمی‌تواند فقط با تغییر مدیران یا قطع منابع مالی دنبال شود، بلکه سیاست‌گذار باید درباره تکالیفی که به بنگاه‌ها تحمیل کرده نیز پاسخ‌گو باشد.

■ داستان شرکت‌های تودلی و شبه‌دولتی

در همین زمینه، موضوع شرکت‌های تودلی و شبه‌دولتی نیز مهم است. طبق اظهارات ۱۳ آذر سال گذشته رئیس کل دیوان محاسبات، برخی شرکت‌ها با وجود سهم اندک دولت، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط وزرا یا نهادها و مجموعه‌های دولتی مدیریت می‌شوند. این شرکت‌ها در ظاهر خصوصی و تابع قوانین شرکت‌های خصوصی هستند، اما عملاً با سازوکار دولتی اداره می‌شوند. چنین شرکت‌هایی منابع گسترده‌ای در اختیار دارند، اما به دلیل تعداد زیاد نیروی انسانی، بهره‌وری پایین و نبود شفافیت، غالباً زیان‌ده هستند. همچنین طبق گفته رئیس سازمان بازرسی کل کشور، در سامانه سماب وزارت امور اقتصادی و دارایی، تعداد شرکت‌های دولتی، مشمول و وابسته به دولت ۷۳۱ شرکت اعلام شده بود و براساس بررسی انجام‌شده از دیوان محاسبات کشور نیز حدود ۳ هزار شرکت به‌عنوان شرکت دولتی و وابسته به دولت تا پایان سال ۱۴۰۳ در تفریغ بودجه درج شده بود. این تفاوت آماری نشان می‌داد دستگاه‌های مختلف برداشت یکسانی از شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت ندارند و بر همین اساس، آمارهای متفاوتی را ثبت کرده‌اند.

■ کدام زیان؟

در کنار اصلاح مدیریت و تعیین تکلیف شرکت‌های زیان‌ده، یک نگرانی مهم دیگر نیز باید مورد توجه دولت قرار گیرد و آن نحوه تشخیص زیان‌ده بودن بنگاه‌ها و استفاده احتمالی از این عنوان برای واگذاری آنهاست، به عبارت دیگر صرف انتشار رقم زیان در صورت‌های مالی برای قضاوت درباره عملکرد یک شرکت کافی نیست و باید مشخص شود زیان ناشی از ناکارآمدی مدیریت، تحمیل تکالیف دولتی، قیمت‌گذاری دستوری، ضعف سرمایه‌گذاری، هزینه‌های غیرمولد یا شرایط خاص فعالیت اقتصادی بوده است و دولت باید شاخص‌های دقیق و عمومی تشخیص زیان‌ده بودن شرکت‌ها را اعلام کند تا متخصصان، کارشناسان اقتصادی و نهادهای حرفه‌ای امکان ارزیابی مستقل داشته باشند. نسبت زیان عملیاتی به درآمد، روند سودآوری طی چند سال، بازده دارایی‌ها، وضعیت جریان نقدی، بدهی‌ها، هزینه‌های پرسنلی، بهره‌وری نیروی انسانی و میزان حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم دولت، از جمله معیارهایی هستند که باید در این ارزیابی مورد توجه قرار گیرند. البته باید مشخص شود یک شرکت بر اساس عملکرد یک سال زیان‌ده شناخته می‌شود یا استمرار زیان در چند دوره مالی ملاک تصمیم‌گیری است.

به هر روی، مسئله امروز دیگر صرفاً تشخیص زیان‌ده بودن شرکت‌ها نیست، زیرا نهادهای نظارتی ارقام و مصادیق متعددی از آن را اعلام کرده‌اند، مسئله این است که دولت با همین اطلاعات چه خواهد کرد و چگونه مانع تکرار زیان، انتقال هزینه ناکارآمدی به منابع عمومی و واگذاری غیرشفاف دارایی‌ها خواهد شد؟!

گزارش ۲

سعیده زمانی

گاز در اروپا رم کرد

تداوم ریسک‌های ژئوپلیتیک و محدودیت در عرضه صادرات ال‌ان‌جی در تنگه هرمز، علاوه بر جهش سه برابری قیمت گاز در اروپا، ذخایر آن را نیز به کمترین میزان ۱۳ سال اخیر رسانده است.

همچنین گزارش‌ها نشان می‌دهد از زمان آغاز فصل سرما، برداشت گاز از مخازن زیرزمینی اروپا نیز با سرعت بی‌سابقه‌ای همراه بوده و این مسئله نگرانی بابت تشدید التهابات بازار گاز اروپا را بیشتر کرده است. آژانس بین‌المللی انرژی در گزارشی پیش‌بینی کرده که در صورت مواجه شدن اروپا با زمستانی سردتر از میانگین سال‌های گذشته و ادامه اختلال در عرضه گاز طبیعی مایع، ذخایر گاز اتحادیه اروپا که هم‌اکنون حدود ۷۵ درصد ظرفیت مخازن است تا اسفند ۱۴۰۵ و فروردین ۱۴۰۶ به کمتر از ۱۰ درصد ظرفیت خود برسد. نگرانی از اختلال در عرضه ال‌ان‌جی زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که وضعیت ذخایر گاز اروپا نیز در نظر گرفته شود. آژانس بین‌المللی انرژی در گزارش سالانه خود که در پایگاه رسمی این نهاد بین‌المللی منتشر شده است، اعلام کرد ذخایر گاز اتحادیه اروپا در پایان اکتبر (اوایل آبان) تنها حدود ۷۵ درصد ظرفیت مخازن بوده که پایین‌تر از هدف حداقلی ۸۰ درصدی این اتحادیه و کمترین میزان در بیش از یک دهه گذشته محسوب می‌شود. براساس این گزارش، اختلال در انتقال گاز طبیعی مایع (LNG) از خاورمیانه به عنوان یکی از عوامل اصلی این وضعیت عنوان و اعلام شده در صورت مواجه شدن اروپا با زمستانی سردتر از میانگین سال‌های گذشته و ادامه اختلال در عرضه گاز طبیعی مایع، ذخایر گاز اتحادیه اروپا ممکن است تا پایان مارس ۲۰۲۷ به کمتر از ۱۰ درصد ظرفیت خود برسد.

اروپا فصل گرمایش را با سطح بی‌سابقه پایینی از ذخایر گاز آغاز کرده است. تنها ۱۲ روز از زمان رسیدن سطح پرشدگی مخازن به اوج پاییزی خود، میزان برداشت تجمعی از این مخازن هم‌اکنون ۲,۱ برابر میانگین پنج ساله شده است. همچنین در هفت روز از ۱۱ روز مورد بررسی، رکورد روزانه برداشت گاز شکسته شده است. این رکوردها در روزهای ۲۸ و ۲۹ اکتبر (ششم و هفتم آبان) و اول، دوم و چهارم تا ششم نوامبر (۱۰، ۱۱ و ۱۳ تا ۱۵ آبان) ثبت شده‌اند.

نشریه پولیتیکو در گزارشی با استناد به داده‌های مؤسسه امریکایی «اقتصاد انرژی و تحلیل مالی» نوشته است: کشورهای عضو اتحادیه اروپا ممکن است در زمستان پیش‌رو با کمبودی تا ۱۴ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی، معادل حدود ۷ درصد از تقاضای سالانه خود مواجه شوند. در گزارش پولیتیکو آمده است: علت این کمبود، اختلال در عرضه جهانی انرژی به دلیل درگیری‌ها در تنگه هرمز، افزایش مصرف و سطح پایین ذخایر در انبارهای کشورهای اروپایی است. این در حالی است که قیمت گاز نیز به بالاترین سطح خود در چهار سال اخیر نزدیک شده و کمبود بالقوه آن، معادل انرژی مورد نیاز ۱۰ تا ۱۲ میلیون خانوار اروپایی است. براساس این گزارش، عامل دیگری که به مشکلات موجود اضافه شده و آنها را تشدید می‌کند، ممنوعیت اعضای اتحادیه اروپا برای عقد قراردادهای بلندمدت جهت خرید گاز طبیعی مایع از روسیه است که قرار است در ژانویه سال ۲۰۲۷ اجرایی شود و این اقدام می‌تواند واردات این محصول را ۷ میلیارد مترمکعب دیگر کاهش دهد و شرایط را وخیم‌تر کند.

خبر

افزایش قیمت کود اوره در مجلس بررسی می‌شود

رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس از بررسی عرضه کود اوره در بورس کالا در پی افزایش ۱۲۰ درصدی قیمت این نهاده خبر داد.

به گزارش صداوسیما، محمدجواد عسکری، رئیس کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط‌زیست مجلس، از بررسی موضوع عرضه کود اوره در بورس کالا و افزایش حدود ۱۲۰ درصدی قیمت این نهاده تولید، با حضور مسئولان دستگاه‌های مربوط در کمیسیون کشاورزی در هفته جاری خبر داد.

او با تأکید بر اهمیت کود اوره در فرایند تولید محصولات کشاورزی گفت: افزایش قیمت این نهاده می‌تواند آثار منفی بر فعالیت کشاورزان و هزینه‌های تولید داشته باشد.

رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس افزود: افزایش قیمت کود اوره ممکن است موجب کاهش مصرف این نهاده از سوی کشاورزان شود که در نهایت بر بهره‌وری در واحد سطح و میزان تولید محصولات کشاورزی تأثیر منفی خواهد گذاشت. عسکری تصریح کرد: با توجه به اهمیت تأمین نهاده‌های مورد نیاز بخش کشاورزی، لازم است ابعاد مختلف عرضه کود اوره در بورس کالا و آثار افزایش قیمت آن بر تولید و بهره‌وری کشاورزی با حضور مسئولان مربوط بررسی شود.

فراخوان آگهی مناقصه (دونوبته – یک مرحله‌ای)

شرکت بهسازان آینده قزوین (وابسته به شهرداری قزوین) در نظر دارد به استناد مجوز هیئت‌مدیره به شماره ۱۴۶۱/د/۱۴۰۵-۳۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۸، با موضوع "تأمین ۱۳ نفر نیروی انسانی (کارگر فصلی) سایت پاکسار سازمان مدیریت پسماند شهرداری قزوین" را به شرکت‌های واجد صلاحیت (دارای گواهی صلاحیت از اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی در رشته خدمات عمومی)، برای مدت یک سال شمسی واگذار نماید.

لذا متقاضیان می توانند پس از انتشار آگهی دوم جهت اطلاع از شرایط و دریافت اسناد مناقصه به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه و اسناد مذکور را دریافت نمایند.

برگزاری مناقصه صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) می باشد و کلیه مراحل فرایند مناقصه شامل دریافت اسناد، ارائه تصویر تضمین شرکت در مناقصه، ارسال پیشنهاد قیمت، اعلام به برنده، پذیرش برنده بودن، پرداخت تعرفه سامانه، ثبت اطلاعات و تودیع تضامین در بستر سامانه امکان‌پذیر است.

***** ضمناً هزینه انتشار آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

*** آدرس: قزوین، میدان ارتش – ساختمان همیاری – طبقه ۲ – واحد ۷ و ۸

*** تلفن: ۵ – ۳۳۳۶۸۴۰۴

حسین برجی -- مدیرعامل شرکت بهسازان آینده قزوین

شناسه آگهی: ۲۳۲۵۹۸۳